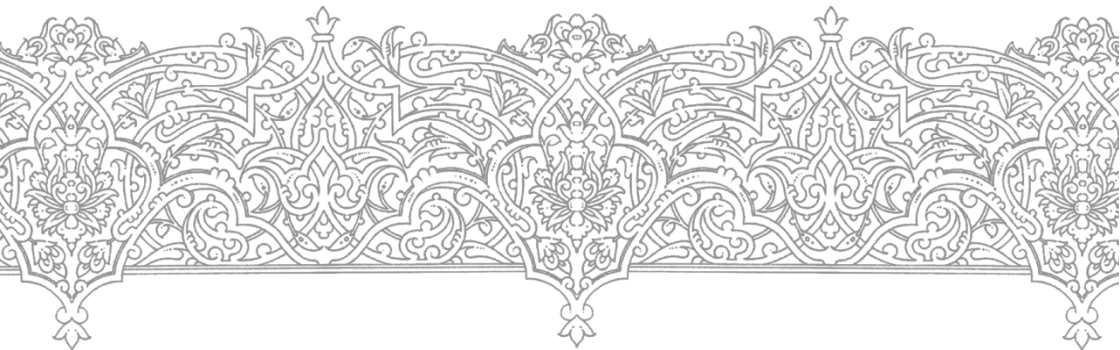




# الزامات مفهومی امت واحده در سیاستهای تعامل با مسلمانان

بر اساس کتاب و سنت



**مقدمه:**

تعامل مسلمانان با یکدیگر عرصه گسترده‌ای از احکام و اصول اجتماعی دین را شامل می‌شود که احصاء همه آنها بمثابه احصاء همه آموزه‌هایی است که درباره حقوق مسلمانان بر یکدیگر ذکر شده است. وحدت یک امر مصرح قرآنی و یک سیره واضح ائمه اطهار علیهم السلام است ولی بدلیل حاکمیت نگرشهای متعصبانه و تاریخی در ما، فهم و بروز این مساله را کمتر شاهد هستیم!

از آنجا که بخش مهمی از آیات و روایات خطاب به عامه مسلمین است و تکالیف آنها را بیان می‌دارد همراهی و همکاری آنان در انجام آن تکالیف مدلول التزامی آنهاست لکن در این مجال سعی کرده ایم نوع مخاطب‌هایی که مستقیماً به مساله همکاری و همدلی و اخوت میان مسلمین اشاره داشته‌اند را مد نظر قرار دهیم.

**نظر فقهی حاکمیتی:**

ناگفته واضح است که نظر فقهی مقام معظم رهبری - بعنوان مرجع اصلی فقه حکومتی که باید برای تقنین الزام آور تلقی می‌شود - مبنی بر شامل شدن برادران اهل سنت در ذیل مصادیق «مومن»<sup>۱</sup> بدین معناست که آیات و روایات مربوط به حقوق مومنان بر ایشان نیز صادق است و از همین روست که باید حیطه و ابعاد تعامل اجتماعی مسلمانان را بسیار گسترده تر و عمیق تر از آنچه تاکنون بدان نگریسته شده است، دانست.

**تقیه خوفی و تقیه مداراتی:**

در باب روایات موجود در رابطه میان مسلمانان ذکر این نکته ضروری است که برخی -مانند شیخ انصاری در باب تقیه مکاسب- همه آنها را ناشی از تقیه خوفی و از سر اضطرار معنا می‌کنند حال آنکه حضرت امام؛ مقام معظم رهبری و بسیاری از مراجع و علما، عمده این احادیث را از سر تقویت محبت و برادری و تحبیب قلوب میان مسلمین دانسته‌اند و بر مبنای تقیه مداراتی (تحبیبی) اقدام به تحلیل آنها نموده و فتوا داده‌اند.<sup>۲</sup>

**تاملی در مفهوم قرآنی «امت واحده»**

امت از ریشه «امم» است که بمعنای تبعیت، هدف و زعامت است. از قرآن چنین فهم می‌شود که یک جمعیت انسانی دارای مسلک و هدف و رهبری واحد را امت می‌گویند. از همین رو عناصر وحدت این

۱. به نقل از شاعر گرامی، حجه الاسلام محمد جواد زمانی در سوال از معظم له که ایشان ضمن تایید مساله به مباحث ذیل بحث غیبت در درس خارج فقه شان ارجاع داده بودند، سایت مباحثات

۲. جهت مطالعه نظر امام درباره تقیه مداراتی رک به مقاله «تقیه مداراتی»، محمد رحمانی  
همچنین مراجعه شود به مباحث نماز با اهل سنت در خارج آیت الله مکارم شیرازی، سایت معظم له

امت عبارت است از: وحدت عقیده، وحدت عمل و تبعیت، وحدت رهبری، وحدت هدف، وحدت در ویژگی‌ها و اخلاقیات، وحدت فرهنگی با این توضیح که رهبری در امت بمعنای جمع بین سیاست و دیانت است که شامل رهبری صامته یعنی کتاب و سنت و رهبری غیرصامته یعنی پیشوای عادل جامعه اسلامی است.<sup>۳</sup>

کاربرد واژه امت در حدیث به ویژه در حدیث نبوی و به هنگام بنا نهادن جامعه نوپای مدینه، دامنه کاربردی جدیدی ویژه جامعه اسلامی و جامعه پیروان حضرت ختمی مرتبت برای آن ایجاد کرد که اکنون هم بیشتر به همان معنی به کار می‌رود. در این معنی امت متناسب با مفهوم اصلی لغوی خود اصطلاحاً به معنی مجموعه‌ای از انسانهاست که در پیروی از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشتراک دارند و دین اسلام آنها را به هم پیوند داده و به اصطلاح دور هم جمع کرده است. پیامبر پس از ورود به مدینه در زمره نخستین فعالیتهایی که انجام داد، انعقاد پیمان نامه‌ای بین مهاجران و انصار بود که به عنوان نخستین قانون اساسی شهرت یافته است. پیامبر در این پیمان نامه، این جامعه نوپا را امت واحده خواند:<sup>۴</sup>

«بسم الله الرحمن الرحيم، هذا كتاب من محمد النبي صلى الله عليه و سلم، بين المؤمنين و المسلمين من قريش و يثرب، و من تبعهم، فلحق بهم، و جاهد معهم؛ إنهم أمة واحدة من دون الناس<sup>۵</sup>...»

## تعریف امت و ویژگی‌های آن

با مروری بر متون و منابع دینی و نوشته‌های اندیشمندان مسلمان، می‌توان امت را به صورت زیر تعریف کرد: "امت عبارت است از گروهی گسترده از مردم که اسلام به عنوان یک نظام اعتقادی واحد آنها را به هم پیوند زده است و به عنوان یک نظام هنجاری مشترک رفتارهای دینی آنها را سامان داده است. هویت بخش این مجموعه بزرگ از انسانها همان نظام واحد معرفتی و رفتاری اسلامی است، به گونه‌ای که هر کس آن را بپذیرد عضو امت به حساب می‌آید." برای بسط و شرح بیشتر مفهوم امت، ویژگیها و مؤلفه‌های اصلی آن را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

## پیوند امت با امام و محوریت امام برای شکل‌گیری یک امت

ظرفیت و استعداد امت برای دربرگرفتن اقشار و طبقات مختلف مردم مسلمان که از نظر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و به ویژه اندیشه درون دینی با یکدیگر اختلاف دارند. به بیان دیگر اختلاف بین مسلمانان به دو دسته تقسیم می‌شود: اختلافاتی که طبیعی و مطلوب است و اختلافاتی که ریشه نفسانی

<sup>۳</sup>. الوحدة الإسلامية عناصرها و مواقعها، الأستاذ الشيخ محمد واعظ زاده الخراساني

<sup>۴</sup>. بخش نظری مقاله «سیاستهای همگرایی مذاهب کشور» - مرداد ۱۳۸۷، دکتر محسن الویری

<sup>۵</sup>. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص: ۵۰۲

و شیطانی دارد و مطلوب نیست. دسته اول اختلافات را باید حفظ کرد و اندیشه از بین بردن آن را وانهاد زیرا وجود آنها لطمه ای به انسجام اسلامی نمی زند ولی باید کوشید دسته دوم اختلافات را در امت اسلامی کاست. ( خسروشاهی، قصه التقرب، الباب الثانی، الفصل الثالث، خلاف نرضاه و خلاف نأباه، صص ۱۸۳ - ۱۸۸ و ص ۲۰۱).

**ظرفیت و استعداد امت برای دربرگرفتن غیرمسلمانان مادام که پایبند رعایت قوانین جامعه اسلامی باشند.** مهمترین شاهد برای این موضوع همان پیمان نامه پیامبر در بدو ورود به مدینه است که حتی یهود مدینه را هم در زمره امت واحده به حساب آورد.

### **محوریت قرآن و سنت در امت به عنوان آبخور معرفتی یک جامعه اسلامی**

نقش مهم آیین هایی مانند نماز جماعت و حج و آموزه های اخلاقی اسلامی مانند رأفت و مهربانی برای تجسم و عینیت بخشیدن به همگرایی اسلامی و بالابردن ضریب پایایی آن. ( الطریقی، صص ۳۰۹ - ۳۲۵؛ المقدادی، صص ۳۵۱ - ۳۸۸ )

### **پویایی و حرکت رو به کمال امت**

امت مجموعه ای ایستا نیست و عمل به آموزه های اسلامی همواره زمینه ساز تعالی آن و اعضای آن است.

### **پیوند عمیق اجتماعی بین اعضای امت اسلامی و اهتمام به مسائل عمومی جامعه اسلامی و**

### **آحاد مسلمانان و اخوت بین آنها**

وظیفه امر به معروف و نهی از منکر هم ریشه در این پیوند دارد ( واعظ زاده، گفتار دوم، صص ۳۷ - ۵۷؛ همچنین در باره اخوت اسلامی، ر.ک. سجادی، سیدعبدلطیف، اخوت و برادری در اسلام )

**در هم تنیدگی ابعاد فناوری و سیاسی و اجتماعی و محیط شناسی با یکدیگر و عدم تفکیک آنها از یکدیگر** (مولانا، ص ۳۱۳)

### **عدم تلازم بین وحدت امت و وحدت دولت و ظرفیت امت برای در بر گرفتن کشورهای**

### **مختلف**

در مقیاس جهان اسلام، وحدت امت به مفهوم وحدت دولت حاکم بر جامعه اسلامی نیست و با وجود دولتها و حکومتها و کشورهای مختلف می توان از امت واحد اسلامی سخن گفت. پیشنهادهایی که برای تشکیل اتحادیه امت اسلامی و یا اتحاد جهان اسلام مطرح شده است بر همین ویژگی از امت مبتنی است. یعنی امت اسلامی واحدی است وحدت گرا از مجموع ممالک متحده اسلامی و اتحادیه امت

اسلامی نیز امت متحده اسلام است که نظام ملت - دولت را پشت سر گذاشته و از آن عبور کرده است. (در این زمینه، ر.ک. مولانا، حمید، ص ۳۱۴؛ افتخاری، صص ۴۱۷ - ۴۴۸؛ خیاط، ص ۱۵۱؛ صفحات پایانی مقاله، مجیدی، صص ۴۴۹ - ۴۵۶). این رهیافت حتی با دیدگاهی که از الگوهای جایگزین ائتلاف در جهان اسلام مانند تشکیل اتحادیه‌ها دفاع می‌کند (ر.ک. رنجبر، الگوهای جایگزین ائتلاف در جهان اسلام) به شرحی که فرصت بیان آن نیست سازگار است.

تعمیم‌پذیری بر اجتماع‌های خرد مسلمانان، از آموزه‌های اسلامی چنین بر می‌آید که هر اجتماعی از مسلمانان که شکل گیرد، احکام و ساز و کارهای مربوط به امت اسلامی در مقیاس خرد در این اجتماع مسلمانان ساری است و مسلمانان وظیفه دارند در نمونه‌های کوچک امت، ضوابط و مقررات مربوط به امت بزرگ اسلامی را تجربه کنند. امت اسلامی کلان‌ترین الگوی همگرایی همه مسلمانان در سطح جهانی است و جوامع کوچکتر از الگوی واحد جهانی باید بکوشند در قلمرو خود هر چند محدود بر همان مدار حرکت کنند. در مقیاس‌های منطقه‌ای و ملی و محله‌ای و حتی سازمانی و خانوادگی نیز، هر اجتماع مسلمانان و هر گروهی از مسلمانان باید بکوشند اجتماع و گروه خود را به مثابه الگویی کوچکتر از همان الگوی واحد تعریف و مطابق آن سامان ببخشند. به بیان دیگر هر گروه از مسلمانان باید الگویی کوچک از همان امت واحده باشند و ساز و کارها و روابط و ضوابط مطلوب در مفهوم امت را در مقیاس خرد پیاده نمایند.<sup>۶</sup> (برای نمونه‌ای تطبیقی از مشابهت‌های امت اسلامی با اجتماع مؤمنان در مسجد، ر.ک. الویری، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار)

## اصول منبعث از آیات و روایات:

در این مجال به برخی آیات و روایات که مستقیماً مرتبط با کیفیت تشکیل امت واحده اسلامی بوده و سخن از نوع روابط میان احاد امت با یکدیگر داشته‌اند اشاره خواهیم داشت تا بتوانیم اصول و ارزش‌های حاکم بر سیاست‌های تعامل میان مسلمین را استخراج نمائیم:

### الف) آیات:

#### رعایت انصاف حتی در قبال مخالفان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مانده: ۸)

#### دعوت به وحدت و ذکر نعمت برادری

<sup>۶</sup> برگرفته از بخش نظری طرح «تعیین سیاست‌های همگرایی بین مذاهب رسمی کشور» - مرداد ۱۳۸۷، دکتر محسن الویری

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران ۱۰۳).

### اختلاف عامل ضعف و ذلت

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (أنفال، ۴۶)

### مومنان برادر هستند

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات، ۱۰)

### محبت میان پیروان پیامبر

محمد رسول الله و الذين معه أشيداء على الكفار رحماء بينهم (فتح، ۲۹)

### عدم توهین به مقدسات هیچ گروهی

وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (انعام، ۱۰۸)

### دعوت به وحدت در مشترکات حتی در قبال ادیان

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (آل عمران، ۶۴).

### تاکید بر معتدل بودن امت اسلامی

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا (بقره، ۱۴۳)

مجموعه زیادی از آیات نیز هستند که مسلمانان را به همکاری بر سر اهداف الهی مشترک تشویق می کنند:

### تعاون بر نیکی و تقوی

...تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مائده، ۲)

### ایجاد قدرت نظامی در برابر دشمن

وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تظَلُمُونَ (انفال، ۶۰)

### جهاد برای نجات مستضعفان

وَ مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء، ۷۵)

## ب) روایات:

### مومنان مانند یک نفس واحد متحدند

«الْمُؤْمِنُونَ مُتَّحِدُونَ مُتَّازِرُونَ مُتَّصِفُونَ كَأَنَّهُمْ نَفْسٌ وَاحِدَةٌ»<sup>۷</sup>

اهل ایمان، با هم متحدند و پشتیبان یکدیگر بوده و چنان هم‌دست و همراه هم می‌باشند که گمان می‌نماید نفس واحده‌اند.

### مسلمانان یک پیکره اند

مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم کمثل الجسد إذا اشتكى بعضه تداعى سائره بالسهر و الحمى<sup>۸</sup>

### ارتباط و محبت ایجاد کنید

عن الرضا علیه السلام: تزاوَرُوا تَحَابُّوا وَ تَصَافَحُوا وَ لَا تَحَاشَمُوا<sup>۹</sup>  
به دیدن یکدیگر بروید و یکدیگر را دوست داشته باشید و دست یکدیگر را بفشارید و بر یکدیگر خشم نگیرید.

### مومن دارای خصلت مداراست

قَالَ الرَّضَاعُ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وِلِيِّهِ فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكَيْتَمَانُ سِرِّهِ قَالَ تَعَالَى عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ فَمَدَارَةُ النَّاسِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ نَبِيَّهِ ص بِمَدَارَةِ النَّاسِ فَقَالَ خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وِلِيِّهِ فَالصَّبْرُ فِي الْبُأْسَاءِ وَ الضَّرَاءِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبُأْسَاءِ وَ الضَّرَاءِ.<sup>۱۰</sup>

امام رضا (ع) می‌فرمود: مؤمن، مؤمن نباشد تا سه خصلت داشته باشد:

یک خصلت از پروردگار خودش، و یک خصلت از پیغمبرش، و یک خصلت از امامش، اما خصلتی که از پروردگار او است: راز نگهداری است، خدا عزوجل فرماید:

«غیبت دانست و بر غیب خود احدی را مطلع نسازد جز رسولی را که بپسندد» و اما سنت و روش پیغمبرش: مدارا و سازگاری با مردم است، زیرا خدا عزوجل به پیغمبر خود دستور داده که با مردم مدارا

<sup>۷</sup> . بحار الأنوار (ط- بیروت) ج ۵۸/ ۱۵۰

<sup>۸</sup> . المجلسی، بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۱۵۰

<sup>۹</sup> . بحار الانوار ج ۷۸-ص ۳۴۷

<sup>۱۰</sup> . الکافی (الإسلامیة)، ج ۲، ص: ۳۴۱

کند و فرموده است: «گذشت را پیش گیر و به خوبی فرمان ده» و اما سنت امامش صبر است و شکیبائی در حال تنگدستی و سخت حالی.

### بر مسائل اختلافی تکیه نکند

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع: أَنَّهُ قَالَ [لِقَوْمٍ مِنْ شِيعَتِهِ] اجْتَمَعُوا إِلَيْهِ وَ تَذَاكُرُوا مَا يَتَكَلَّمُونَ بِهِ عِنْدَهُ فَقَالَ لَهُمْ حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ دَعُوا مَا يُنْكِرُونَ أَوْ تَحِبُّونَ أَنْ يُسَبَّ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ قَالُوا وَ كَيْفَ يُسَبُّ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ قَالَ يَقُولُونَ إِذَا حَدَّثْتُمُوهُمْ بِمَا يُنْكِرُونَ لَعَنَ اللَّهُ قَائِلَ هَذَا وَ قَدْ قَالَهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ ص.<sup>۱۱</sup>

«امام صادق به جمعی از شیعیان که گرد ایشان جمع شده و بیان می کردند که سخنانشان با دیگران چگونه است، فرمودند: با مردم سخن بگوئید از آنچه می شناسند و رها کنید آنچه را انکار می کنند. آیا دوست دارید خداوند و رسول مورد سب و ناسزا قرار گیرند. فرمودند: زمانی که شما آنچه انکار می کنید را بگوئید آنان می گویند خدا لعنت کند گوینده این سخن را و حال آنکه گوینده این سخن خداوند سبحان و رسولش ص می باشد.»

### بسنده بودن اسلام برای عضویت در امت اسلامی

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَفِيَانَ بْنِ السَّمْطِ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْإِسْلَامِ وَ الْإِيمَانِ مَا الْفَرْقُ بَيْنَهُمَا فَلَمْ يُجِبْهُ ثُمَّ سَأَلَهُ فَلَمْ يُجِبْهُ ثُمَّ التَّقِيَا فِي الطَّرِيقِ وَ قَدْ أَرَفَ مِنَ الرَّجُلِ الرَّحِيلُ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَأَنَّهُ قَدْ أَرَفَ مِنْكَ رَحِيلٌ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ فَالْقِنَى فِي الْبَيْتِ فَلَقِيَهُ فَسَأَلَهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ الْإِيمَانِ مَا الْفَرْقُ بَيْنَهُمَا فَقَالَ الْإِسْلَامُ هُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي عَلَيْهِ النَّاسُ شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَ حُجُّ الْبَيْتِ وَ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَهَذَا الْإِسْلَامُ وَ قَالَ الْإِيمَانُ مَعْرِفَةُ هَذَا الْأَمْرِ مَعَ هَذَا فَإِنْ أَقَرَّ بِهَا وَ لَمْ يَعْرِفْ هَذَا الْأَمْرَ كَانَ مُسْلِمًا وَ كَانَ ضَالًّا<sup>۱۲</sup>

«... سفیان بن سمط نقل کرده است که مردی از امام صادق علیه السلام از تفاوت اسلام و ایمان پرسید و امام پاسخ او را نداد، مدتی بعد دوباره پرسید ولی امام باز هم جواب نداد، مدتها بعد این فرد که دیگر وقت رفتن او نزدیک شده بود، در راه با امام برخورد کرد، امام فرمودند: گویی وقت رفتنت نزدیک شده است؟ گفت آری، امام فرمودند در منزل به ملاقات من بیا، آن مرد چنین کرد و بار دیگر از فرق اسلام و ایمان پرسید. امام فرمودند: اسلام همان ظاهری است که مردمان بر آنند: گواهی به وحدانیت خدا و شریک نداشتن او و این که محمد بنده و فرستاده اوست و برپاداشتن نماز و پرداختن زکات و حج خانه خدا و روزه داشتن در ماه رمضان؛ این اسلام است. امام در ادامه افزودند ایمان افزون بر این، شناخت این

<sup>۱۱</sup> مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص: ۲۹۲

<sup>۱۲</sup> الکافی، ج: ۲، صص ۲۴ - ۲۵



امر (ظاهراً مراد ولایت است) است که به آن اقرار کند ولی اگر این را نشناخت مسلمان است ولی گمراه.»

### درجات ایمان و ضرورت نگاه همدلانه افراد با درجه ایمان بیشتر به افراد دارای درجه پایینتر

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادِ بْنِ خَزَّازٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْقُرَاطِيسِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ بِمَنْزِلَةِ السَّلْمِ يُصْعَدُ مِنْهُ مِرْقَاءٌ بَعْدَ مِرْقَاءٍ فَلَا يَقُولَنَّ صَاحِبُ الْإِثْنَيْنِ لِصَاحِبِ الْوَاحِدِ لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْعَاشِرِ فَلَا تُسْقِطُ مَنْ هُوَ دُونَكَ فَيَسْقِطَكَ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ وَإِذَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكَ بِدَرَجَةٍ فَارْفَعْهُ إِلَيْكَ بِرِفْقٍ وَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَتَكْسِرَهُ فَإِنَّ مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ<sup>۱۳</sup>

«عبدالعزیز قراطیسی نقل کرده است که امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای عبدالعزیز ایمان ده درجه دارد، مانند نردبان، که از پله های آن یکی بعد از دیگری بالا می روند. پس کسی که بر پله دوم ایستاده است به فرد روی پله اول نگوید تو هیچ نیستی، و به همین ترتیب تا پله دهم. پس هیچ کس را که از تو پایین تر است به زمین نیانداز که هر کس که برتر از توست نیز در باره تو چنین خواهد کرد. و هنگامی که کسی را پایین تر از خود دیدی، با رفق و مدارا او را بالا بکش و چیزی را که افزون از توانایی اوست بر او تحمیل نکن که او را خواهی شکست و هر کس که در حق مؤمنی چنین کند، بر اوست که جبران کند.»

### ضرورت همدلی بین همه کسانی که بهره ای هر چند اندک از ایمان دارند

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى جَمِيعًا عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ أَبِي الْيَقْظَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ الصَّحَّاکِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا سَرَّاجٍ وَ كَانَ خَادِمًا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ بَعَثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَاجَتِهِ وَ هُوَ بِالْحَبِيرَةِ أَنَا وَ جَمَاعَةٌ مِنْ مَوَالِيهِ قَالَ فَاذْطَلَعْنَا فِيهَا ثُمَّ رَجَعْنَا مُعْتَمِينَ قَالَ وَ كَانَ فِرَاشِي فِي الْحَائِرِ الَّذِي كُنَّا فِيهِ نَزُولًا فَجِئْتُ وَ أَنَا بِحَالٍ فَرَمِيتُ بِنَفْسِي قَبِينَا أَنَا كَذَلِكَ إِذَا أَنَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَدْ أَقْبَلَ قَالَ فَقَالَ قَدْ أَتَيْتَاكَ أَوْ قَالَ جِئْنَاكَ فَاسْتَوَيْتُ جَالِسًا وَ جَلَسَ عَلَيَّ صَدْرُ فِرَاشِي فَسَأَلَنِي عَمَّا بَعَثَنِي لَهُ فَأَخْبَرْتُهُ فَحَمِدَ اللَّهُ ثُمَّ جَرَى ذِكْرُ يَوْمٍ فَقُلْتُ جِئْتُ فِدَاكَ إِنَّا نَبْرَأُ مِنْهُمْ إِنْهُمْ لَا يَقُولُونَ مَا نَقُولُ قَالَ فَقَالَ يَتَوَلَّوْنَا وَ لَا يَقُولُونَ مَا تَقُولُونَ تَبْرَأُونَ مِنْهُمْ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَهُوَ دَا عِنْدَنَا مَا لَيْسَ عِنْدَكُمْ فَيَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَبْرَأَ مِنْكُمْ قَالَ قُلْتُ لَا جِئْتُ فِدَاكَ قَالَ وَ هُوَ دَا عِنْدَ اللَّهِ مَا لَيْسَ عِنْدَنَا أَطْرَحْنَا قَالَ قُلْتُ لَا وَ اللَّهُ جِئْتُ فِدَاكَ مَا نَفْعَلُ قَالَ فَتَوَلَّوْهُمْ وَ لَا تَبْرَأُوا مِنْهُمْ إِنْ مِنْ الْمُسْلِمِينَ مَنْ لَهُ سَهْمٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ سَهْمَانِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ ثَلَاثَةٌ أَسْهُمٍ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَسْهُمٍ وَ

مِنْهُمْ مَنْ لَهُ خَمْسَةٌ أَسْهُمٍ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ سِتَّةٌ أَسْهُمٍ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ سَبْعَةٌ أَسْهُمٍ فَلَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ يُحْمَلَ  
صَاحِبُ السَّهْمِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ السَّهْمَيْنِ وَ لَا صَاحِبُ السَّهْمَيْنِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ الثَّلَاثَةِ وَ لَا صَاحِبُ  
الثَّلَاثَةِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ الْأَرْبَعَةِ وَ لَا صَاحِبُ الْأَرْبَعَةِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ الْخَمْسَةِ وَ لَا صَاحِبُ الْخَمْسَةِ  
عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ السِّتَّةِ وَ لَا صَاحِبُ السِّتَّةِ عَلَى مَا عَلَيْهِ صَاحِبُ السَّبْعَةِ...<sup>۱۴</sup>

«یکی از شیعیان زین ساز که خادم امام صادق علیه السلام بود نقل کرده است که امام صادق علیه السلام که در حیره بود من و گروهی از موالیان خود را در پی نیازی فرستاد، ما رفتیم و اندوهگین بازگشتیم، رختخواب من در گودالی بود که در آن فرود آمده بودیم. من خود را به رختخواب انداختم و در این حالت بودم که ناگهان امام صادق علیه السلام را دیدم که به سراغ ما آمدند و فرمودند به سراغ آمدیم یا عبارتی دیگر به همین معنا بر زبان راندند، من نشستم و امام بالای رختخواب من نشستند و از آن چه مرا در پی آن فرستاده بودند پرسیدند، نتیجه را به اطلاع ایشان رساندم، امام خدای را سپاس گذاردند و سپس سخن از گروهی به میان آمد، من عرض کردم فدایت شوم ما از آنها تبری می جوئیم، آنها آن چه را ما بدان قائلیم قائل نیستند، امام فرمودند آنها ما را دوست دارند ( ولایت ما را قبول دارند ) ولی آن چه را شما می گوئید نمی گویند، آیا شما از آنها تبری می جوئید؟ گفتم آری، فرمودند به همین ترتیب نزد ما چیزهایی است که نزد شما نیست، بر این اساس آیا ما نیز باید از شما تبری بجوئیم؟ گفتم: خیر فدایت شوم. امام فرمودند به همین ترتیب نزد خداوند چیزهایی است که نزد ما نیست، آیا بر این باوری که خداوند ما را باید طرد کند؟ عرضه داشتیم نه به خدا سوگند، فدایت شوم، پس ما چه کنیم؟ امام فرمودند: آنها را دوست داشته باشید ( تولی آنها را داشته باشید ) و از آنها تبری نجوئید، گروهی از مسلمانان یک سهم و گروهی دو سهم و گروهی سه سهم و گروهی چهار سهم و گروهی پنجم سهم و گروهی شش سهم و گروهی هفت سهم ( از اسلام و ایمان ) دارند، سزاوار نیست با فرد دارای یک سهم مانند فرد دارای دو سهم برخورد شود و نه با فرد دارای دو سهم مانند فرد دارای سه سهم و نه با فرد دارای سه سهم مانند فرد دارای چهار سهم و نه با فرد دارای چهار سهم مانند فرد دارای پنج سهم و نه با فرد دارای پنج سهم مانند فرد دارای شش سهم و نه با فرد دارای شش سهم مانند فرد دارای هفت سهم برخورد شود....»

## از توهین و دشنام پرهیزید

عَنْهُ عَنْ مُعَلَّى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ غَسَّانَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لِي مُبْتَدِئًا يَا سَمَاعَةُ مَا هَذَا الَّذِي كَانَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ جَمَالِكَ إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ فَحَاشًا أَوْ صَحَابًا أَوْ لَعَانًا فَقُلْتُ وَ اللَّهُ لَقَدْ كَانَ ذَلِكَ

أَنَّهُ ظَلَمَنِي فَقَالَ إِنَّ كَانَ ظَلَمَكَ لَقَدْ أَرَبَيْتَ عَلَيْهِ إِنَّ هَذَا لَيْسَ مِنْ فِعَالِي وَلَا أَمْرٌ بِهِ شِيعَتِي اسْتَغْفِرُ رَبَّكَ وَ لَا تَعُدُّ قَلْتُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لَا أَعُودُ.<sup>۱۵</sup>

« نزد امام صادق (ع) رفته و با من آغاز سخن کرد و فرمود:

ای سماعه! این چه جنجالی بود که میان تو و شتردارت پدیدار گشته، مبادا دشنام گو و بد زبان و لعنت فرست باشی، در پاسخ گفتم: به خدا که چنین بوده است، زیرا که او به من ستم کرد، فرمود: اگر او بتو ستم کرده تو از او سر افتادی، هر آینه این کردار از کردارهای من نیست، و بشیعیانم چنین دستوری ندهم، از پروردگارت آمرزش بخواه، و بآن کردار باز مگرد، عرض کردم: از خدا آمرزش خواهم و دیگر باز نگردم.»

### زینت ما باشید و سخن تحریک آمیز مگوید

وَ بِالْإِسْنَادِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُؤَدَّبِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بُهْلُولٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عُثْمَانَ الْأَحْوَلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ مِهْرَانَ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) وَ عِنْدَهُ نَفَرٌ مِنَ الشَّيْعَةِ وَ هُوَ يَقُولُ: مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ، كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا لَنَا شَيْنًا، قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا، وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كَفُّوْهَا عَنِ الْفُضُولِ، وَ قَبِّحِ الْقَوْلَ.<sup>۱۶</sup>

« بر امام صادق ع وارد شدم در حالی که نزد ایشان یکی از شیعیان بود و حضرت صادق علیه السلام می فرمود: رفتار و گفتار شما باید موجب زینت ما باشد نه اینکه باعث خجالت و شرم ما باشد در باره مردم سخنان نیکو بگوئید و زبان خود را از سخنان بیمورد و زیادی و از حرفهای زشت باز دارید.»

### اسرار ما را منتشر نکنید / ما را محبوب مردم کنید / آنچه قبول ندارند را بپوشانید

قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَتْ مِنْ اِحْتِمَالِ امْرُنَا التَّصَدِيقُ لَهُ وَ الْقَبُولُ فَقَطْ مِنْ اِحْتِمَالِ امْرُنَا سِتْرُهُ وَ صِيَانَتُهُ مِنْ غَيْرِ اَهْلِهِ فَاَقْرَبُهُمُ السَّلَامُ وَ قُلْ لَهُمْ رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ اِلَى نَفْسِهِ حَدَّثُوهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ اسْتَرَوْا عَنْهُمْ مَا يُبْكِرُونَ ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهُ مَا النَّاصِبُ لَنَا حَرَبًا بِأَشَدِّ عَلَيْنَا مَوْنَةً مِنَ النَّاطِقِ عَلَيْنَا بِمَا نَكَرَهُ فَاِذَا عَرَفْتُمْ مِنْ عَبْدِ اِدَاعَةَ فَاْمَشُوا اِلَيْهِ وَ رُدُّوهُ عَنْهَا فَاِنْ قَبِلَ مِنْكُمْ وَ اِلَّا فَتَحَمَّلُوا عَلَيْهِ بِمَنْ يُثَقَّلُ عَلَيْهِ وَ يَسْمَعُ مِنْهُ فَاِنْ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَطْلُبُ الْحَاجَةَ فَيَلْطَفُ فِيهَا حَتَّى تَقْضَى لَهُ فَالْطَفُوفُ فِي حَاجَتِي كَمَا تَلْطَفُونَ فِي حَوَائِجِكُمْ فَاِنْ هُوَ قَبِلَ مِنْكُمْ وَ اِلَّا فَادْفِنُوا كَلَامَهُ تَحْتَ اَقْدَامِكُمْ وَ لَا تَقُولُوا اِنَّهُ يَقُولُ وَ يَقُولُ فَاِنْ ذَلِكَ يُحْمَلُ عَلَيَّ وَ عَلَيَكُمْ اَمَا وَ اللَّهُ لَوْ كُنْتُمْ تَقُولُونَ مَا اَقُولُ لَأَقْرَرْتُ اَنْكُمْ اَصْحَابِي هَذَا اَبُو حَنِيْفَةَ لَهُ اَصْحَابٌ وَ هَذَا الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ لَهُ اَصْحَابٌ وَ اَنَا امْرُؤٌ مِنْ قُرَيْشٍ قَدْ وَلَدَنِي رَسُوْلُ اللَّهِ ص وَ عَلِمْتُ كِتَابَ

<sup>۱۵</sup> الكافي (الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۲۶

<sup>۱۶</sup> الأُمالي (للطوسي)، النص، ص: ۴۴۰

اللَّهِ وَ فِيهِ تَبْيَانٌ كُلُّ شَيْءٍ بَدَأَ الْخَلْقَ وَ أَمْرَ السَّمَاءِ وَ أَمْرَ الْأَرْضِ وَ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَ أَمْرَ الْآخِرِينَ وَ أَمْرَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى ذَلِكَ نُصَبَ عَيْنِي.<sup>۱۷</sup>

« عبد الاعلی گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم میفرمود از شرایط تشیع و ارادت بما خانواده فقط این نیست که تصدیق بامامت کنید و آن را قبول نمائید. بلکه یکی از شرایط آن مخفی نگاهداشتن و حفظ کردن است از ناهلان.

سلام مرا به آنها برسان بگو خدا رحمت کند بنده‌ای را که محبت مردم را نسبت بخود جلب کند. هر چه مورد قبول آنها است بایشان بگویند و آنچه منکرند از آنها مخفی نمایند. سپس فرمود: بخدا قسم دشمن ما که با ما سر جنگ دارد بر ایمان دشوارتر نیست از دوستی که از طرف ما صحبت‌هائی میکند که ما خوش نداریم هر وقت کسی را دیدید که اسرار ما را فاش میکند پیش او بروید و از این کار او را منصرف کنید. اگر قبول کرد بهتر و گر نه کسی را بفرستید که حرف او را گوش می‌کند.

شما اگر حاجتی داشته باشید برای بر آورده شدن آن هر نوع وسیله‌ای که ممکن باشد بکار میبرید، در مورد حاجت من نیز مضایقه نکنید همان طوری که برای خود میکنید اگر آن شخص قبول کرد از شما بهتر و گر نه سخن او را زیر پای خود مخفی کنید و این طرف و آن طرف نگوئید فلانی این طور میگوید این کار او را بر من و شما جری می‌کند. بخدا قسم اگر آنچه میگویم انجام دهید گواهی میکنم که شما اصحاب من هستید.

ابو حنیفه اصحاب دارد حسن بصری اصحاب دارد من نیز مردی از قریشم که جدم پیامبر اکرم است عالم بکتاب خدا هستم که در آن بیان هر چیزی هست ابتدای آفرینش و امر آسمان و زمین و امر پیشینیان و آیندگان و آنچه بوده و خواهد آمد اکنون در مقابل چشم من است گوئی آنها را تماشا می‌کنم. »

### از تفرقه پرهیزید که شیطانی است

و من کلام له ع و فيه يبين بعض أحكام الدين و يكشف للخوارج الشبهه و ينقض حكم الحكمين ... وَ سَهْلِكَ فِي صِنْفَانٍ مُحِبٌّ مُفْرِطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ مُبْغِضٌ مُفْرِطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ خَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ النَّمَطِ الْأَوْسَطِ فَالزُّمُوهُ وَ الزُّمُوهُ السَّوَادُ الْأَعْظَمُ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَاقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ فَإِنَّمَا حُكْمُ الْحَكَمَانَ لِيُحْيِيَا مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ وَ يُمَيِّتَا مَا أَمَاتَ الْقُرْآنُ وَ إِحْيَاؤُهُ الْاجْتِمَاعُ عَلَيْهِ وَ إِمَاتَتُهُ الْإِفْتِرَاقُ عَنْهُ فَإِنَّ جَرْنَا الْقُرْآنَ إِلَيْهِمْ اتَّبَعْنَاهُمْ وَ إِنْ جَرَّهُمْ إِلَيْنَا اتَّبَعُونَا...<sup>۱۸</sup>

<sup>۱۷</sup> بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۷، ص: ۳۷۲

<sup>۱۸</sup> نهج البلاغه (للصبحي صالح)، خطبه ۱۲۷، ص: ۱۸۵

« به زودی دو گروه نسبت به من هلاک می‌گردند: دوستی که افراط کند و به غیر حق کشانده شود، و دشمنی که در کینه توزی با من زیاده روی کرده به راه باطل در آید. بهترین مردم نسبت به من گروه میانه رو هستند. از آنها جدا نشوید، همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید، که انسان تنها بهره شیطان است آنگونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود، آگاه باشید هر کس که مردم را به این شعار «تفرقه و جدایی» دعوت کند او را بکشید هر چند که زیر عامه من باشد.

اگر به آن دو نفر (ابو موسی و عمرو عاص) رأی به داوری داده شد، تنها برای این بود که آنچه را قرآن زنده کرد زنده سازند، و آنچه را قرآن مرده خوانند، بمیرانند، زنده کردن قرآن این است که دست وحدت به هم دهند و به آن عمل نمایند، و میراندن، از بین بردن پراکندگی و جدایی است، پس اگر قرآن ما را به سوی آنان بکشاند آنان را پیروی می‌کنیم، و اگر آنان را به سوی ما سوق داد باید اطاعت کنند ... »

### زیبایی های کلام ما را به مردم برسانید تا دنبال ما بیایند

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا ع يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يَعْلَمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا ...<sup>۱۹</sup>

« از عبد السلام بن صالح هروی مروی است که گفت از حضرت رضا (ع) شنیدم که میفرمود خدا رحمت کند بنده را که زنده بدارد امر ما را عرض کردم چگونه زنده بدارد امر شما را فرمود بیاموزد علوم ما را و بمردم تعلیم کند چه مردم اگر محاسن و تدارک کلام ما را بدانند پیروی کنند ما را ... »

### در اختلاف خیری نیست

قال علی(ع): فَأَيُّكُمْ وَالتَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيْمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فِرْقَةٍ فِيْمَا تَحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ، وَ إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يَعْطِ أَحَدًا بِفِرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَى وَ لَامَنَّ بَقِيَّ<sup>۲۰</sup>

زنهار از موضع گیریهایی رنگارنگ در دین، که اتحاد بر محور حق هر چند که شما را ناخوش آید به از پراکندگی در باطل است. گرچه شما را خوش آید زیرا بی گمان در تاریخ گذشته و آینده بشر هرگز خداوند با اختلاف خیری را ارزانی کسی نداشته و نمی‌دارد.

### دشنام دهنده نباشید

وَ مِنْ كَلَامِ لَهُ ع وَ قَدْ سَمِعَ قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِهِ يَسْبُونَ أَهْلَ الشَّامِ أَيَّامَ حَرْبِهِمْ بِصَفِينٍ: إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ وَ لَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَّرْتُمْ خَالَئَهُمْ كَانَ أَصُوبَ فِي الْقَوْلِ وَ أْبْلَغَ فِي الْعُدْرِ وَ قُلْتُمْ مَكَانَ سَبِّكُمْ إِيَّاهُمْ اللَّهُمَّ احْقِنِ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ أَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنِهِمْ وَ اهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى

<sup>۱۹</sup> عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۷

<sup>۲۰</sup> نهج البلاغه، دشتی، خطبه ۱۷۶

يَعْرِفُ الْحَقَّ مَنْ جَهَلَهُ وَ يَرَعُوِيَّ عَنِ الْعَيِّ وَ الْعُدُوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ (نهج البلاغه (للصّبحي صالح)، خطبه ۲۰۶، ص: ۳۲۳)

« در جنگ صفین شنید که یاران او شامیان را دشنام می‌دهند فرمود: من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر کردارشان را تعریف، و حالات آنان را باز گو می‌کردید به سخن راست نزدیک‌تر، و عذر پذیرتر بود، خوب بود بجای دشنام آنان می‌گفتید:

خدایا! خون ما و آنها را حفظ کن، بین ما و آنان اصلاح فرما، و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن، تا آنان که جاهلند، حق را بشناسند، و آنان که با حق می‌ستیزند پشیمان شده به حق باز گردند »

### اگر توهین هم شنیدید مقابله به مثل نکنید

عن أبي عبد الله عليه السلام أنه كتب بهذه الرسالة إلى أصحابه و أمرهم بمدارستها و النظر فيها و تعاهدها و العمل بها و كانوا يضعونها في مساجد بيوتهم فإذا فرغوا من الصلاة نظروا فيها؛ ... بسم الله الرحمن الرحيم أما بعد فاسألوا الله ربكم العافية؛ و عليكم بالدعة «۱» و الوقار و السكينة؛ و عليكم بالحياء و التتزه عما تنزه عنه الصالحون قبلكم؛ و عليكم بمجاملة أهل الباطل، تحمّلوا الضيم منهم، و إياكم و مماظتهم إياكم و سب أعداء الله حيث يسمعونكم<sup>۲۱</sup>

امام صادق نامه‌ای برای اصحابش نوشتند و دستور فرمودند که دائم به این نامه بادقت نگاه کنند و به آن متعهد شوند و عمل کنند و در مساجد و خانه هایشان آویزان کنند و هر گاه از نماز فارغ شدند این رساله را بخوانند :

از خداوند برای شما عافیت می‌طلبم و شمارا به وقار و سکینه و حیا و ... توصیه می‌کنم همچنین به ملامت و خوش رفتاری با اهل باطل و تحمل ستمها و ظلمهای آنها و هرگز با آنها دشمنی و نزاع نکنید ... با مردم به ملامت و نیکی رفتار کنید و هرگز دشمنان خدا را که صدای شما را می‌شنوند ناسزا نکنید که این کار به سب خدا و اولیای خدا می‌انجامد و چه ظلمی نزد خدا بزرگتر اینکه سب خدا و اولیای خدا شوید.

علامه مجلسی در کتاب مرآت در حاشیه این روایت می‌فرماید: دو معنا می‌شود از این روایت برداشت کرد "حيث يسمعونكم" به فتح: جواز سب دشمنان خدا در خلوت اما در جلوی آنها تقیه باید کرد. "حيث يسمعونكم" به ضم: یعنی بر شما جایز نیست که به دشمنان خدا فحش دهید حتی اگر آنها به شما فحش دادند با این حال شما حق ندارید به رهبران آنها فحش دهید که اگر اینگونه شد شما مرتکب گناهی

<sup>۲۱</sup>. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج: ۸؛ ص ۴۰۱ الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج: ۸؛ ص ۳۹۷

بزرگ شده اید و چه کسی ظلمی بزرگتر از اینکه کسی موجب ناسزا گفتن دیگران به خدا و اولیاء شود پس درنگ کنید درنگ کنید و علامه مجلسی معنای دوم را انتخاب می‌کند

## اظهار محبت امام به بزرگان اهل سنت

مالک می‌گوید: هنگامی که بر امام جعفر صادق - علیه السلام - وارد می‌شدم برای من پستی و تکیه گاه گذاشته، ارج و منزلتی برایم قائل می‌شدند و می‌فرمودند: یا مالکُ اِنِّیْ اَحِبُّکَ! فَکُنْتُ اَسْرُ بَدَلکَ وَ اَحْمَدُ اللّٰهَ عَلَیْهِ<sup>۲۲</sup>

## ما را محبوب مردم کنید نه مبعوض شان

عن الصادق علیه السلام: رَحِمَ اللّٰهُ عَبْدًا حَبَبْنَا اِلَى النَّاسِ وَ لَمْ يُبَغِّضْنَا اِلَيْهِمْ وَ اِيْمُ اللّٰهِ لَوْ يَرُوْنِ مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَكَانُوا اَعَزَّ وَ لَمَّا اسْتَطَاعَ اَحَدٌ اَنْ يَتَعَلَّقَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ<sup>۲۳</sup>

## درباره آنچه قبول دارند سخن بگویند

امام صادق - علیه السلام - می‌فرمودند: رَحِمَ اللّٰهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ اِلَى نَفْسِهِ فَحَدَّثْتَهُمْ بِمَا يَعْرِفُوْنَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُوْنَ؛ رحمت خدا بر بنده‌ای باد که به قدر فهم مردم سخن گوید و آنچه را که باور ندارند نگوید و با این روش محبت مردم را به خود جلب نماید.<sup>۲۴</sup>

## نماز با اهل سنت هم اجر نماز با رسول خدا

مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْاَوَّلِ فَكَانَ مَعِ صَلَّى مَعَ رَسُوْلِ اللّٰهِ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي الصَّفِّ الْاَوَّلِ<sup>۲۵</sup>

هر که با آنها (مخالفان) در صف اول نماز بگذارد، گویا با رسول خدا در صف اول نماز خوانده است .

## نماز با اهل سنت مانند جهاد در راه خدا

اسحاق بن عمار نیز می‌گوید که امام صادق، علیه السلام، به من فرمودند :

يَا اِسْحَاقُ اتَّصَلَى مَعَهُمْ فِي الْمَسْجِدِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ قَالَ: صَلِّ مَعَهُمْ فَاِنَّ الْمُصَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْاَوَّلِ كَالشَّاهِرِ سَيْفِهِ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ<sup>۲۶</sup>

<sup>۲۲</sup> . شیخ صدوق، خصال، ص ۱۶۷؛ شیخ صدوق، امالی صدوق، ص ۲۳۴ و علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۳۵؛ سید بن طاووس، فلاح السائل، ص ۲۶۹؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۱۱ و بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۶

<sup>۲۳</sup> . علی بن بابویه، فقه الرضا، ص ۳۵۶؛ شیخ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۲۹؛ علی بن حسن بن فضل طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص ۳۱۷ و بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۸. (سند این روایت صحیح است. حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد عن وهیب بن حفص عن ابی بصیر

<sup>۲۴</sup> . شیخ صدوق، الخصال، ص ۲۵؛ حسن بن سلیمان حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۰۱؛ قاضی نعمان مغربی، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۵۹۰ و سیدحسین بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۳۵

<sup>۲۵</sup> . شیخ صدوق، الهدایه، ص ۵۳؛ شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۸۰؛ شیخ صدوق، امالی، ص ۴۴۹؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۲؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۹۹-۳۰۰. (سند این روایت صحیح و معتبر است. امام خمینی، الخلل فی الصلاة، ص ۸ محمد بن علی بن الحسین

بایسناده عن حماد بن عثمان

<sup>۲۶</sup> . شیخ طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۲۷۷ و شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۱

ای اسحاق، آیا با مخالفین در مسجد نماز می خوانی، گفتم: آری، امام فرمودند: با آنها نماز بخوان؛ زیرا کسی که با آنها در صف اول نماز بخواند مانند کسی است که شمشیرش را در راه خدا آخته است.

### برادری شرط حفظ محبت پیامبر

أَخَى النَّبِيُّ ص بَيْنَ أَصْحَابِهِ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ أَخَوَيْنِ أَخَوَيْنِ<sup>۲۷</sup>  
 أَلَا وَحَقَّتْ مَحَبَّتِي لِلَّذِينَ يَتَخَابُونَ مِنْ أَجْلِي وَ قَدْ حَقَّتْ مَحَبَّتِي لِلَّذِينَ يَتَصَادَفُونَ مِنْ أَجْلِي وَ قَدْ حَقَّتْ  
 مَحَبَّتِي لِلَّذِينَ يَتَزَاوَرُونَ مِنْ أَجْلِي وَ قَدْ حَقَّتْ مَحَبَّتِي لِلَّذِينَ يَتَبَادَلُونَ مِنْ أَجْلِي<sup>۲۸</sup>

محبت من حق کسانی است که برای خوشنودی من باهم محبت می کنند، محبت من حق کسانی است که برای خوشنودی من باهم صدقه می دهند، محبت من حق کسانی است که برای خوشنودی من به زیارت هم می روند، محبت من حق کسانی است که برای خوشنودی من بذل می کنند.

### با مسلمانان صادق باشیم

لَيْسَ مِنَّا مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَكَرَهُ<sup>۲۹</sup>

نیست از ما آن کسی که به مسلمان دیگر فریب دهد، به او ضرر رساند و نسبت به او مکر کند.

### وحدت امت، نشانه منت الهی

إِنَّ اللَّهَ (سُبْحَانَهُ) قَدِ امْتَنَّ عَلَى جَمَاعَةٍ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي  
 ظِلِّهَا وَيَأْوُونَ إِلَى كَنَفِهَا بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيمَةً لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ تَمَنٍّ وَ أَجَلُّ مِنْ  
 كُلِّ خَطَرٍ<sup>۳۰</sup>

به تحقیق که خداوند سبحان بر این امت منت نهاد، به خاطر الفتی که بین آنها به وجود آورد، الفتی که در سایه و کنار آن قرار گیرند و بیاسایند با نعمتی که هیچ یک از آفریده شدگان پروردگار ارج و بهای آن را نمی داند برای این که ارزش این نعمت از هر چیز دیگر بیشتر و از هر شأن و مقامی والاتر است.

### وحدت مسلمین عامل سکوت امام

وَ إِيْمُ اللَّهِ لَوْ لَا مَخَافَةُ الْفِرْقَةِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَ أَنْ يَعُودَ الْكُفْرَ وَ يُبَوِّرَ الدِّينَ لَكُنَّا عَلَى غَيْرِ مَا كُنَّا لَهُمْ عَلَيْهِ<sup>۳۱</sup>  
 به خدا سوگند! اگر بییم وقوع تفرقه میان مسلمین و بازگشت کفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آنان به گونه ای دیگر بود.

<sup>۲۷</sup> محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ج ۳۷، ص ۱۸۶

<sup>۲۸</sup> حسین بن محمد تقی، نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲؛ ص ۲۲۵

<sup>۲۹</sup> حسن بن علی، ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۴۲

<sup>۳۰</sup> نهج البلاغه خطبه ۱۹۲

<sup>۳۱</sup> محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ج ۳۲، ص ۶۱



## کوتاه آمدن از حق بخاطر امر مسلمین

لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي وَ وَاللَّهِ لَأُسْلِمَنَّ مَا سَلِمْتَ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَىٰ خَاصَّةٍ<sup>۳۳</sup>

شما می‌دانید که من برای خلافت از دیگران سزاوارترم. قسم به پروردگار تا مادامی که کارهای مسلمین به سلامت انجام گیرد و به کسی جز من ظلم نشود، من این ظلم را برای خود می‌پذیرم و خلافت را واگذار می‌کنم.

## روابط اجتماعی و محبت دائمی شرط برادری

اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً مَتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكَرُوا أَمْرًا وَ أَحْيَا<sup>۳۳</sup>

پرهیزید خدا را و برادران نیک رفتاری باشید، در راه خدا به همدیگر دوستی کنید، به همدیگر پیوند باشید، به همدیگر مهربان باشید، همدیگر را دیدار کنید، با هم برخورد کنید، و امر ما را به هم یادآوری کنید و آن را زنده دارید.

## به ائمه خود بنگرید و با اهل سنت صمیمی باشید

تَنْظُرُونَ إِلَىٰ أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصْنَعُونَ مَا يَصْنَعُونَ فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيُعُودُونَ مَرَضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يُعَيِّمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ<sup>۳۴</sup>

امام فرمود: به ائمه خودتان بنگرید و به آنها اقتدا کنید. آن کاری را بکنید که آنها می‌کنند. بخدا قسم ما به مریض‌های آنها سر می‌زنیم و بر جنازه‌های شان حاضر می‌شویم و له یا علیه آنها شهادت می‌دهیم و امانت‌های شان را به آنها باز می‌گردانیم.

أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ ... ثُمَّ قَالَ عُدُّوا مَرَضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ اشْهَدُوا لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ صَلُّوا مَعَهُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ<sup>۳۵</sup>

## دغدغه مسائل مسلمین شرط مسلمانی

من اصبح و لم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم<sup>۳۶</sup>

هر که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد مسلمان نیست

## ادب جعفری در ارتباط صمیمانه با اهل سنت است

<sup>۳۲</sup> نهج البلاغه خطبه ۷۴

<sup>۳۳</sup> الکافی، جلد ۸، ص ۱۷۵

<sup>۳۴</sup> الکافی، ج ۲، ص ۶۳۶

<sup>۳۵</sup> احمد بن محمد بن خالد، برقی، المحاسن، ج ۱؛ ص ۱۸

<sup>۳۶</sup> الکلینی الرازی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴

ما جاء في الصحيح عن زيد الشَّحَّام عن الإمام الصادق عليه السلام في خطابه له بصورة مختصرة أَنَّهُ قَالَ: يَا زَيْدُ خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ، صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ، وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَأَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيَّامَةَ، وَالْمُؤَدِّينَ فَافْعَلُوا، فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا: هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ، رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ. وَإِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا: هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ، فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ، مَا كَانَ أَسْوَأَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ.<sup>۳۷</sup>

در حدیث صحیح از زید شحام از امام صادق علیه السلام است که در کلامی خطاب به او مختصراً فرمود: ای زید! با مردم براساس خلیقات خودشان رفتار کنید. در مساجدشان نماز بخوانید. به عیادت مریض‌هایشان بروید. بر تشییع جنازه‌هایشان حاضر شوید. اگر توانستید امام یا مؤذن نمازها باشید بایستید که اگر شما یاران چنین کردید خواهند گفت: اینها جعفری هستند. خدا جعفر را بیمارزد چقدر خوب یارانش را تربیت کرده است. و اگر این کارها را نکنید خواهند گفت: اینها جعفری هستند. خدا جعفر را بیمارزد چقدر بد یارانش را تربیت کرده است.

### اگر شیعه اید به توصیه مدارا عمل کنید

در حدیث صحیح از حنان بن سدید است که فرمود: ابوالصباح کنانی به امام صادق عرض کرد: درباره شما از مردم چه زخم زبان‌ها که نمی‌شنویم!

امام فرمود: مگر از مردم چه می‌بینی؟ گفت: هر گاه میان من و فردی دیگر سخن پیش می‌آید می‌گوید: جعفری خبیث!

امام فرمود: شما را بخاطر من سرزنش می‌کنند؟ گفت: آری!

فرمود: به خدا سوگند کسانی از شما که پیروی جعفر را می‌کنند خیلی اندک اند! تنها اصحاب من کسانی اند که ورع و پارسایی‌شان شدید باشد، برای خالقش عمل کند و ثواب را از او امید داشته باشد. اینها اصحاب من هستند<sup>۳۸</sup>

### بهترین مردمان در طائفه خود باشید

امام صادق «ع»: «به خدا قسم که پدرم به من چنین گفت: اگر مردی از شیعه علی بن ابی طالب علیه السلام در قبیله‌ای بود باید بهترین‌شان باشد در ادای امانت و مراعات حقوق و راستگویی تا به او وصیت

<sup>۳۷</sup>. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه؛ ج ۱؛ ص ۳۸۳ رقم ۱۱۲۸

<sup>۳۸</sup>. الکافی (ط - دار الحدیث)، ج ۳، ص: ۱۹۷ حدیث ۱۶۳۳ / ۶ باب الورع . الکافی، کتاب الإیمان و الکفر، باب المؤمن وعلاماته وصفاته، ح ۲۲۸۸، عن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن إسماعیل، عن منصور بزرج، عن مفضل، عن أبی عبدالله علیه السلام، مع زیاده فی أوله. وفیه، نفس الباب، ح ۲۳۰۲؛ والخصال، ص ۲۹۵، باب الخمسه، ح ۶۳ وصفات الشیعه، ح ۷، ۱۲؛ و ص ۱۱، ح ۲۱، بسند آخر، وفي كل المصادر من قوله: «إنما أصحابی من اشتد» مع اختلاف الوافی، ج ۴، ص ۳۲۶، ح ۲۰۳۲، الوصائل، ج ۱۵، ص ۲۴۴، ح ۲۰۳۹۸، من قوله: «إنما أصحابی من اشتد»؛ البحار، ج ۷۰، ص ۲۹۸، ح ۶

کرده و امانت بسپارند و از او طلب یاری کنند و بگویند: چه کسی مثل فلانی است که امانت دارترین و راستگوترین باشد؟»<sup>۳۹</sup>

## عمل تان را مایه زینت ما کنید

كُونُوا دُعَاةً إِلَىٰ أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ، وَكُونُوا زِينًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا<sup>۴۰</sup>

یعنی مردم را بدون سخن گفتن به سوی خودتان بخوانید و برای ما زینت باشید نه عار!

## به آنها محبت کنید تا ما مسرور شویم

عن الحسن العسكري عليه السلام الى شيعته :

أوصيكم بتقوى الله و الورع في دينكم و الأجتهد لله و صدق الحديث و أداء الأمانة إلى من أتممكم من بر أو فاجر و طول السجود و حسن الجوار. فبهذا جاء محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) صلوا في عشايرهم و شهدهوا جنازتهم و عودوا مرضاهم و أدوا حقوقهم، فإن الرجل منكم إذا ورع في دينه و صدق في حديثه و أدى الأمانة و حسن خلقه مع الناس قيل: هذا شيعي فيسرني ذلك. إتقوا الله و كونوا زينا و لا تكونوا شينا، جروا إينا كل مودة و ادفعوا عنا كل قبيح، فإنه ما قيل فينا من حسن فنحن أهلهم و ما قيل فينا من سوء فما نحن كذلك.

لناحق في كتاب الله و قرابه من رسول الله و تطهير من الله لا يدعيه أحد غيرنا إلا كذاب. أكتروا ذكر الله و ذكر الموت و تلاوة القرآن و الصلاة على النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) فإن الصلاة على رسول الله عشر حسنات، إخطولوا و صيتكم به و أسودعكم الله و أقرأ عليكم السلام.<sup>۴۱</sup>

شما را به تقوای الهی و پارسایی در دینتان و تلاش برای خدا و راستگویی و امانتداری درباره کسی که شما را امین دانسته - نیکوکار باشد یا بدکار - و طول سجود و حسن همسایگی سفارش می کنم. محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) «برای همین آمده است، در میان جماعت های آنان (اهل سنت) نماز بخوانید و بر سر جنازه آنها حاضر شوید و مریضان شان را عیادت کنید و حقوقشان را ادا نمایید، زیرا هر یک از شما چون در دینش پارسا و در سخنش راستگو و امانتدار و خوش اخلاق با مردم باشد، گفته می شود: این یک شیعه است، و این کارهاست که مرا خوشحال می سازد.»

<sup>۳۹</sup>. الکافی (ط - دار الحدیث)، ج ۴، ص: ۶۸۱ رقم ۳۶۰۲ / ۴ باب ۱ - بَابُ مَا يَجِبُ مِنَ الْمَعَاشِرَةِ . الفقيه، ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۱۱۲۸، معلقاً عن زيد الشحام، ملخصاً، مع اختلافه. تحف العقول، ص ۴۸۷، عن الهادي عليه السلام، إلى قوله: «طول السجود وحسن الجوار» مع اختلاف يسير. راجع: المحاسن: ص ۱۸، كتاب الترائن، ح ۵۱؛ وتفسير العياشي، ج ۱، ص ۴۸، ح ۶۵ وصفات الشيعة، ص ۲۷، ح ۳۸؛ والاختصاص، ص ۲۵؛ وتحف العقول، ص ۲۹۹، الوافي، ج ۵، ص ۵۲۴، ح ۲۳۹۸؛ البوسائل، ج ۱۲، ص ۵، ح ۱۵۴۹۶

<sup>۴۰</sup>. الکافی ج ۲ ص: ۷۷ ورواه محمد بن سليمان الكوفي في كتاب مناقب الإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام ج ۲ ص ۱۲۳ ح ۷۷۳ ونحوه في أمالي الطوسي ص ۴۴۰ ح ۹۸۷ ح ۴۴ المجلس ۵ و أمالي الصدوق ص ۴۸۴ ح ۱۷ من المجلس ۶۲

<sup>۴۱</sup>. بحار الانوار جلد ۷۵ صفحه ۳۷۲ باب ۲۹

تقوای الهی داشته باشید، مایه زینت باشید نه زشتی، تمام دوستی خود را به سوی ما بکشانید و همه زشتی را از ما بگردانید، زیرا هر خوبی که درباره ما گفته شود ما اهل آنیم و هر بدی درباره ما گفته شود ما از آن به دوریم .

در کتاب خدا برای ما حقی و قربانی از پیامبر خداست و خداوند ما را پاک شمرده، احدی جز ما مدعی این مقام نیست، مگر آن که دروغ می گوید. زیاد به یاد خدا باشید و زیاد یاد مرگ کنید و زیاد قرآن را تلاوت نمایید و زیاد بر پیغمبر «صلی الله علیه وآله وسلم» سلام و تحیت بفرستید. زیرا صلوات بر پیامبر خدا «صلی الله علیه وآله وسلم» ده حسنه دارد. آنچه را به شما گفتم حفظ کنید و شما را به خدا می سپارم، و سلام بر شما.

### کاری نکنید بخاطر رفتار شما ما را سرزنش کند

مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ الْكِنْدِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «يَا كُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُونَا بِهِ فَإِنَّ وَلَدَ السَّوِّءِ يُعَيِّرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ كُونُوا لِمَنْ انْقَطَعْتُمْ إِلَيْهِ زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شِينًا صَلُّوا فِي عَشَائِهِمْ وَ عُوذُوا مَرَضَاهُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ ... وَ اللَّهُ مَا عِيدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَبَاءِ.» قُلْتُ: وَ مَا الْخَبَاءُ؟ قَالَ: «التَّقِيَّةُ».<sup>۴۲</sup>

امام صادق علیه السلام: «مبادا عملی انجام دهید که به خاطر آن، [مردم] ما را سرزنش کنند! چون فرزند شرور، [باعث می شود که] پدرش به واسطه عمل او سرزنش شود. برای کسی که با او مانوس هستید [یعنی امامتان] زینت باشید، و مایه‌ی ننگ او نباشید. در میان عشائر ایشان [یعنی اهل سنت] نماز بگزارید، و مریض‌هاشان را عیادت کنید، و در تشییع جنازه‌شان حاضر شوید ... به خدا سوگند که بهترین نوع عبادت، خبء است.» راوی معنای کلمه‌ی «خبء» را از حضرت پرسید؛ فرمودند: «[خبء یعنی] تقیه.»

### گر چه سخت باشد ولی انجام دهید

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى فِي نَوَادِرِهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُنَاكَحَتِهِمْ وَ الصَّلَاةِ خَلْفَهُمْ. فَقَالَ: «هَذَا أَمْرٌ شَدِيدٌ لَنْ تَسْتَطِيعُوا ذَاكَ قَدْ أَنْكَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ صَلَّى عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ رَأَاهُمْ.»<sup>۴۳</sup>

از امام صادق علیه السلام درباره ازدواج با اهل سنت و نماز خواندن [به جماعت] پشت سرشان، سؤال شد؛ فرمودند: «این کار سنگینی است؛ شما هرگز از پس آن بر نمی آید؛ رسول الله با ایشان ازدواج کرد و علی علیه السلام پشت سرشان نماز گزارد.»

<sup>۴۲</sup> الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲/ باب التقیه، ص ۲۱۹

<sup>۴۳</sup> . وسائل الشیعه، ج ۸/ باب استحباب حضور الجماعة خلف من لا یقتدی به التقیه و القيام فی الصف الأول معه، ص ۳۰۱

## دسته بندی آموزه ها:

بنظر می رسد مجموعه آموزه های کتاب و سنت در ذیل ارتباطات میان امت اسلامی – چه در میان خودشان – و سایر ملل را بتوان در قالب چند دسته بیان نمود:

(الف) آموزه هایی که در صدد تشکیل باور صحیح به امت اسلامی هستند (اعتقادات)

مانند: انما المومنون اخوه / محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم / و...

(ب) آموزه هایی که در صدد ایجاد همکاری و رفتارهای مناسب در امت هستند (رفتارها)

مانند: تعاونوا علی البر و التقوی / لاتسبوا الذین یدعون من دون الله / و..

(ج) آموزه هایی که به تعاون جهت ایجاد قدرت مقابله با دشمنان تاکید دارند (نظامات)

مانند: ولاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم / و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه / و...

حضرت امام خمینی در کتاب «ولایت فقیه»<sup>۴۴</sup> تاکید می کنند که تشکیل حکومت اسلامی شرط اصلی تحقق بسیاری از احکام و آموزه هایی است که در کتاب و سنت بیان شده است و الا احکام جزایی و حقوقی بسیاری معطل می مانند. از همین روست که می توان نظام سازی را نیز یکی از ملزومات و مقدمات واجب تحقق اهداف قرآنی دانست.

شاید بتوان از خلال جمع این آموزه ها عنصری جدید بنام «هویت اسلامی» را نیز مد نظر قرار داد که فارق امت اسلامی با پیروان سایر ادیان یا فرق خواهد بود.

## آسیب شناسی تعامل میان مسلمین:

در آیات و روایات مرتبط که بخشی از آنها ذکر گردید چند دسته توصیه ها وجود دارد که می توان آنها را به مثابه اصولی بنیادین در روابط و تعاملات اجتماعی مدنظر داشت. در این میان آسیب شناسی مبتنی بر این آموزه ها بدین قرار احصا شده است:

خود حق پنداری و طرد و نفی دیگران

عدم تحمل یکدیگر

تکیه بر تفاوت ها و اختلافات

تحقیر و توهین

تحریک احساسات طرف دیگر

تلاش برای تغییر مذهب دیگران

نزاع های اعتقادی

## اصول تعامل اجتماعی مسلمین:

اصل وحدت در مقابل دشمن مشترک	اصل تعایش و همزیستی مسالمت آمیز
اصل عدم تکفیر و تفسیق	اصل اخوت و تأخی
اصل پذیرش تکثرها و تفاوت ها	اصل رفق و مدارا
اصل اولویت تبدلات اقتصادی و اجتماعی میان مسلمین	اصل تمسک حداکثری به اشتراکات
اصل همکاری ضد طاغوت	اصل نصیحت و خیرخواهی
اصل دفاع مشترک از مستضعفان جهان	اصل دلسوزی و صمیمیت
اصل حفظ آبروی مسلمان	اصل حفظ عزت و قدرت
اصل عدم تسری حقانیت به حیثه زندگی	اصل عدم توهین و تحریک
اصل عدم اجبار برای پذیرش باورها	اصل نفی بدبینی و سوءظن
	اصل همکاری و تعاون مشترک
	اصل تکریم و محبت

## راهبردهای تقویت تعاملات میان مسلمین:

احسان و مهربانی دائمی و موثر  
روابط اجتماعی گسترده و حمایتی از یکدیگر  
همکاری اجتماعی و اقتصادی مشترک  
اجرای مناسک مذهبی مانند نماز جماعت با یکدیگر  
مبنا قرار دادن نظر اکثریت هر مذهب برای اجرای احکام اجتماعی آن منطقه  
عدم تفکیک مسلمین در زندگی اجتماعی  
حفظ احترام مقدسات و عقاید دیگران  
چشم پوشی از اختلافات موجود  
عدم مقابله به مثل در توهین ها  
عدم تکیه بر اختلافات و تعافل نسبت به آنها

## ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم (انفال/46)



قال اميرالمؤمنين على عليه السلام:

انى اكره لكم ان تكونوا سبابين شتامين لغائبين  
(تمام نهج البلاغه، ج 5 ص 98 و 99)



سماحة آية الله العظمى السيستاني:  
خطابنا هو الدعوة الى الوحدة، وكنت  
ولا ازال اقول لا تقولوا اخواننا السنة،  
بل قولوا «أنفسنا أهل السنة»

سماحة الامام الخامنأى:

يحرم النيل من رموز إخواننا السنة فضلاً  
عن اتهام زوج النبي بما يخل بشرفها بل  
هذا الأمر ممنوع على نساء الأنبياء  
وخصوصاً سيدهم الرسول الأعظم

سماحة الامام الخمينى:

لقد أمرنا الإسلام بوحدة الكلمة،  
وان من يعمل على إثارة الفرقة  
فهو خارج عن الإسلام

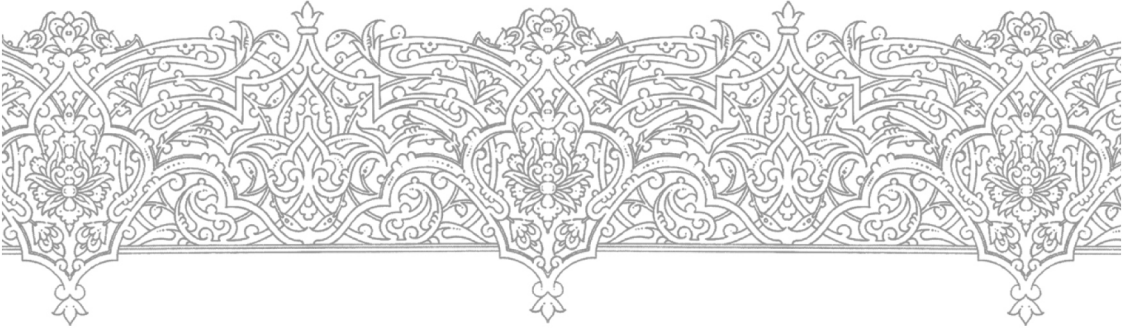
سماحة الإمام السيد موسى الصدر:  
يكون الأساس هو التقارب  
والفهم وليس الجدل ومحاولات  
التغلب الكلامي

سماحة آية الله العظمى علامه  
فضل الله: نحرم سب أمهات  
المؤمنين والإساءة إليهنّ ونعتبره  
مخالفاً للخط الإسلامي الأصيل

# پیشوایان شیعه، پیشگامان وحدت



المجمع الدولي للأمة الواحدة  
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH  
اتحاديه بين المللى امت واحده



واحد فرهنگى و آموزش  
اتحاديه بين المللى امّت واحده  
با همکارى مجله الكترونيكى اخوت  
[www.unified-ummah.com](http://www.unified-ummah.com)  
[www.okhowah.com](http://www.okhowah.com)